

جاسوسی و کشورداری: دگرگونی سیا برای عصر رقابت

نویسنده: ویلیام برنز
معرفی: مهدی شاپوری

اشاره: ویلیام برنز، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) اخیراً در مقاله‌ای با عنوان «جاسوسی و کشورداری: دگرگونی سیا برای عصر رقابت» که در مجله «فارن افرز» منتشر شده، دیدگاه‌های خود را در مورد مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی آمریکا به طور کلی و سازمان تحت مدیریتش به طور خاص مطرح کرده است. همان‌گونه که در عنوان مقاله نیز آمده، مسئله اصلی برای برنز، چگونگی تقویت سازمان سیا برای نقش‌آفرینی در «عصر رقابت» است. منظور او از «عصر رقابت» این است که جهان از فضای پس از جنگ سرد عبور کرده و وارد دوره‌ای از تغییرات همزمان ژئوپلیتیکی (رقابت قدرت‌های بزرگ) و تکنولوژیکی (از ریزتراشه‌ها گرفته تا هوش مصنوعی تا محاسبات کوانتومی) شده؛ که برای آمریکا به طور کلی و سازمان سیا به طور خاص بسیار چالش‌برانگیز هستند.

مقدمه

ویلیام برنز دانش‌آموخته روابط بین‌الملل از دانشگاه آکسفورد و یکی از دیپلمات‌های مشهور و کهنه‌کار آمریکاست که از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۴ در وزارت خارجه این کشور خدمت کرده است. وقتی کالین پاول در دوران ریگان مشاور امنیت ملی شد، برنز را که تنها ۳۲ سال داشت، مسئول دفتر خاورمیانه شورای امنیت ملی کرد. این مسیر ارتقای او را فراهم کرد. برنز از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ دبیر اجرایی وزارت امور خارجه، از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ سفیر در اردن، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ دستیار وزیر امور خارجه در امور خاورمیانه، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ سفیر در فدراسیون روسیه، از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ دستیار وزیر امور خارجه در امور سیاسی، و از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ معاون وزیر امور خارجه بوده است. پس از بازنشستگی در سال ۲۰۱۴، برنز رئیس بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی شد.

1. William J. Burns (January 30, 2024) Spycraft and Statecraft: Transforming the CIA for an Age of Competition, Foreign Affairs

ویلیام برنز از جمله شخصیت‌های مورد اعتماد هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات است. او در سال ۲۰۰۸ توسط جورج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا و با تأیید مجلس سنا درجه «سفیر حرفه‌ای» که بالاترین درجه در وزارت امور خارجه آمریکا و معادل ژنرال چهار ستاره در ارتش این کشور محسوب می‌شود را دریافت کرد.^۱ ریچارد آرمیتاژ که در دوره اول ریاست جمهوری جورج بوش، معاون وزیر امور خارجه آمریکا بود، در مورد برنز گفته: «چیزی که بیل را بسیار خاص می‌کند، این است که او آرام، غیرهیجانی، آگاه و با هسته فولادی مطلق است. او مردی اصولی است که در برابر مصلحت سر فرو نمی‌آورد». البوت کوهن، مشاور کاندولیزا رایس، وزیر خارجه دولت جورج بوش، با اشاره به ضعف وزارت خارجه آمریکا در تربیت رهبران دیپلمات، به برنز اشاره می‌کند و می‌گوید: «رهبرانی مانند بیل برنز وجود دارند، اما این به دلیل جادویی است که در دی‌ان‌ای او وجود داشت.»

جیمز بیکر، وزیر امور خارجه جورج بوش پدر، برنز را کارمند دولتی درجه یکی خوانده که «حقیقت را به شیوه‌ای موجز برای قدرت بیان می‌کند. او ایدئولوژیک نیست، چیزها را همان‌گونه که می‌بیند بیان می‌کند و همه به او اعتماد دارند. من کسی را نمی‌شناسم که درباره او بد فکر کند و اگر به نتایج کار او نگاه کنید، دلیل آن را خواهید فهمید». دنیس مک‌دونال، رئیس دفتر اواما و معاون مشاور امنیت ملی او، برنز را ذاتاً دیپلمات خوانده و در مورد او گفته: «او در آنچه می‌خواهد انجام دهد ثابت، آرام و همیشه روشن است. ما خوش شانس هستیم که او را داریم». جان کری، وزیر خارجه دولت اواما نیز در وصف برنز گفته: «هر وقت به دنبال استعدادیابی هستیم، می‌گوییم که می‌خواهم بیل برنز بعدی را پیدا کنم. او دقیقاً ترکیبی از توانمندی، تفکر و چابکی را تجسم می‌بخشد که سرویس خارجی برای تولید آن در نظر گرفته شده بود.»

کری در جای دیگری نیز در مورد برنز گفته: «بیل استاندارد طلایی برای دیپلماسی آرام، سر به زیر و آماده است. او باهوش و زرتنگ است و نه تنها می‌داند که سیاست کجا باید حرکت کند، بلکه می‌داند که چگونه فاصله بین واشنگتن و پایتخت‌های سراسر جهان را طی کند. این افتخار را دارم که اکنون هر روز با او کار کنم. او استعداد ذاتی در مسائل و روابط دارد که [از این نظر] بی‌همتاست.»

با چنین سابقه و جایگاهی، پس از روی کار آمدن بایدن، برنز برای ریاست سازمان سیا به سنا معرفی شد که با اجماع آرای سناتورها مورد تأیید قرار گرفت. به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی بایدن از انتخاب برنز به عنوان رئیس سازمان سیا، دانش و تجربه او از مناسبات نظام بین‌الملل به عنوان دیپلماتی حرفه‌ای و کهنه‌کار است. در واقع، او برای «عصر رقابت» که در عنوان مقاله‌اش آمده، فراخوانده شده تا مهم‌ترین دستگاه اطلاعاتی آمریکا را برای این دوران رهبری کند. عصر رقابت، عصر دشواری‌های فزاینده برای آمریکاست و ویلیام برنز، که از او

1. Career ambassador

۲. از زمان اعطای این درجه از سال ۱۹۵۳ کمتر از ۶۰ دیپلمات آمریکایی موفق به دریافت آن شده‌اند.

به عنوان «سلاح دیپلماتیک مخفی کاخ سفید» یاد شده، اکنون و در شرایطی که جهان و آمریکا با چالش‌های بی‌سابقه‌ای در دوران پس از جنگ سرد مواجه شده، در جایگاهی حساس‌تر برای کاخ سفید ایفای نقش می‌کند.

بر این اساس، بررسی مقاله برنز با عنوان «جاسوسی و کشورداری: دگرگونی سیا برای عصر رقابت» برای شناخت از فهم آمریکا در مورد تحولات جهان به‌ویژه در رابطه با ایران، که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، بسیار مهم است. در این نوشتار، ابتدا به محورها و نکات اصلی این مقاله اشاره می‌شود. سپس، ضمن تمرکز بر بخش‌های مرتبط با ایران در این مقاله، به درس‌ها و هشدارهای آن برای کشورمان پرداخته خواهد شد.

جاسوسی در پرتو تغییرات ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی

برنز در ابتدای مقاله‌اش با اشاره به تلاش کشورها برای مخفی نگه‌داشتن و دزدیدن اسرار از یکدیگر، می‌گوید تا زمانی که این وضعیت وجود دارد، جاسوسی بخشی جدایی‌ناپذیر از کشورداری باقی خواهد ماند؛ حتی اگر تکنیک‌های آن به‌طور مداوم در حال تکامل باشد. سپس با اشاره به مراحل تکامل جاسوسی در آمریکا از جنگ انقلاب به بعد، وارد موضوع اصلی بحث یعنی چالش‌های ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی پیش روی آمریکا و سازمان سیا در «عصر رقابت» می‌پردازد. برنز با اشاره به سخنان بایدن، معتقد است که امروز آمریکا با یکی از لحظات نادر تاریخ، مانند شروع جنگ سرد یا دوره پس از ۱۱ سپتامبر، مواجه است. از نظر او «ظهور چین و کین‌توزی روسیه، چالش‌های ژئوپلیتیکی دلهره‌آوری را در دنیای رقابت تنگاتنگ راهبردی که در آن آمریکا دیگر از برتری بلامنازع برخوردار نیست و در آن تهدیدات وجودی اقلیمی در حال افزایش است، ایجاد می‌کند».

برنز معتقد است که «آنچه این وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند، انقلابی در فناوری است که حتی فراگیرتر از انقلاب صنعتی یا آغاز عصر هسته‌ای است. از ریزتراشه‌ها گرفته تا هوش مصنوعی تا محاسبات کوانتومی، فناوری‌های نوظهور در حال دگرگون کردن جهان از جمله حرفه اطلاعات هستند. از بسیاری جهات، این تحولات کار سیا را سخت‌تر از همیشه می‌کند و به دشمنان ابزارهای قدرتمند جدیدی می‌دهد تا ما را به اشتباه بیاندازند؛ از دید ما پنهان بمانند؛ و از ما جاسوسی کنند». با این حال، از نظر او اهمیت عاملیت انسانی در اطلاعات از بین نرفته، بلکه به موازات تغییرات فوق «جاسوسی به برهم‌کنشی بین انسان و تکنولوژی تبدیل شده است». بر این اساس «همچنان اسراری وجود خواهد داشت که فقط انسان‌ها می‌توانند آن‌ها را جمع‌آوری کنند و عملیات‌های مخفی که فقط انسان‌ها می‌توانند انجام دهند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی، به‌ویژه در هوشمندی سیگنال‌ها، چنین عملیات‌های انسانی را آن‌گونه که برخی پیش‌بینی کرده‌اند، بی‌ربط نکرده، بلکه در کار آنها انقلابی ایجاد کرده است».

1. Nicholas Kravle (2013) The White House's Secret Diplomatic Weapon, The Atlantic

رئیس سازمان سیا همچنین ضمن اعتراف به اینکه فناوری، بسیاری از جنبه‌های جاسوسی را سخت‌تر از همیشه کرده، گفته که در عصر شهرهای هوشمند، با دوربین‌های فیلمبرداری در هر خیابان و فناوری تشخیص چهره که به‌طور فزاینده‌ای در همه‌جا انتشار یافته، جاسوسی بسیار سخت‌تر شده است. برای افسر سیا که در خارج از کشور در کشوری متخاصم کار می‌کند و با منابعی ملاقات می‌کند که امنیت خود را برای ارائه اطلاعات ارزشمند به خطر می‌اندازند، نظارت مداوم، تهدیدی حاد محسوب می‌شود. با این حال، از نظر او، همان فناوری که گاهی علیه سیا کار می‌کند - چه استخراج داده‌های بزرگ برای افشای الگوهای فعالیت‌های این سازمان باشد یا شبکه‌های دوربین عظیمی که می‌توانند هر حرکت یک عامل را ردیابی کنند - می‌تواند برای آن و علیه دیگران کار کند.

از نظر برنز «سیا برای اینکه سرویس اطلاعاتی مؤثری در قرن بیست و یکم باشد، باید تسلط بر فناوری‌های نوظهور را با مهارت‌های انسانی و جسارت فردی که همیشه در قلب حرفه ما بوده، درهم آمیزد. این به معنای تجهیز افسران عملیات به ابزارها و شگردهایی برای انجام جاسوسی در دنیای نظارت مداوم فناوری است و تجهیز تحلیل‌گران به مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی که می‌توانند مقادیر عظیمی از اطلاعات منبع باز و مخفیانه جمع‌آوری شده را تحلیل کنند تا بتوانند بهترین قضاوت‌های انسانی را داشته باشند». از نظر او، در عین حال، آنچه سیا با اطلاعاتی که جمع‌آوری شده انجام می‌دهد نیز در حال تغییر است. در این مورد، برنز به «طبقه‌بندی‌زدایی استراتژیک»^۱ به معنای افشای عمدی اسرار خاص برای تضعیف رقبا و متحدان اشاره می‌کند که از نظر او، به ابزار قدرتمندی برای سیاست‌گذاران تبدیل شده است. برنز می‌گوید که این کار «به معنای به خطر انداختن منابع یا روش‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه به معنای مقاومت عاقلانه در برابر میل به طبقه‌بندی کردن همه چیز است». دیپلماسی اطلاعاتی، مورد دیگری است که رئیس سازمان سیا به آن اشاره کرده است. او گفته: «جامعه اطلاعاتی آمریکا در حال یادگیری ارزش روزافزون دیپلماسی اطلاعاتی و دستیابی به درک جدیدی است از اینکه چگونه تلاش‌های تقویت متحدان و مقابله با دشمنان می‌تواند از سیاست‌گذاران حمایت کند». بر این اساس، برنز گفته که یکی از اولویت‌های سیا در دوره جدید «تعمیق شبکه بی‌بدیل همکاری‌های اطلاعاتی در سراسر جهان است؛ دارایی‌ای که رقبای تنهای آمریکا در حال حاضر فاقد آن هستند».

او توانایی سیا برای بهره‌مندی از همکاری با شرکا و ارتباط حتی با بدترین دشمنان آمریکا را برای موفقیت بسیار مهم دانسته است: «گاهی اوقات، برای افسران اطلاعاتی راحت‌تر است که با دشمنان تاریخی در موقعیت‌هایی که تماس دیپلماتیک ممکن است به معنای شناسایی رسمی [طرف مقابل] باشد، مواجه شوند. به همین دلیل است که رئیس جمهور من را در اواخر آگوست ۲۰۲۱ به کابل فرستاد تا درست قبل از خروج نهایی نیروهای آمریکایی با رهبری طالبان تعامل

1. Strategic declassification

کنم». برنز همچنین به «مذاکرات جاری با مصر، اسرائیل، قطر و حماس بر سر آتش بس انسانی و آزادی گروهان‌ها از غزه» به عنوان نمونه دیگری اشاره کرده است. در مجموع، برنز معتقد است که تغییرات ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی، چالش‌های تاریخی برای سیا و کل حرفه اطلاعاتی ایجاد کرده و موفقیت «به ترکیب هوش سنتی انسان با فناوری‌های نوظهور به روش‌های خلاقانه بستگی دارد. به عبارت دیگر، این امر مستلزم انطباق با جهانی است که تنها پیش‌بینی مطمئن در مورد تغییر، شتاب گرفتن آن است».

تمرکز سیا بر رقبا و هم‌وردی با آنها در عصر رقابت

برنز معتقد است که رقابت و عدم قطعیت ژئوپلیتیکی - جدا از چالش‌های مشترک مانند تغییرات اقلیمی و پیشرفت‌های بی‌سابقه فناوری مانند هوش مصنوعی - چشم‌انداز بین‌المللی پیچیده‌ای را ایجاد کرده و بر این اساس، لازم است که سیا رویکرد خود به اطلاعات را تغییر دهد تا با این دنیای به سرعت در حال تغییر همگام شود. از نظر او «در دنیایی که رقبا اصلی ایالات متحده یعنی چین و روسیه توسط مستبدان شخصی که در حلقه‌های کوچک و منزوی مشاوران فعالیت می‌کنند، رهبری می‌شوند، دستیابی به بینش در مورد اهداف رهبران مهم‌تر و دشوارتر از همیشه است». رئیس سازمان سیا در مقاله خود، حمله روسیه به اوکراین را مانند ۱۱ سپتامبر به عنوان آغازی برای سیا دانسته و تجربه موفقیت‌های سیا را در کمک به سیاست‌گذاران در مورد جنگ اوکراین بازگو کرده است.

او با یادآوری هشدارهای اولیه و دقیق سازمان سیا و شرکای اطلاعاتی آن درباره تهاجم روسیه به اوکراین از قبل از شروع جنگ، ادعا کرده که اطلاعات خوب سازمان سیا از روند منتهی به جنگ اوکراین و پس از آن چند مزیت بسیار مهم برای سیاست‌گذاران داشته است: ۱. به رئیس جمهور این امکان را داد که تصمیم بگیرد من را در نوامبر ۲۰۲۱ به مسکو بفرستد تا به پوتین و مشاورانش در مورد عواقب حمله در حال برنامه‌ریزی به اوکراین هشدار دهم؛ ۲. به رئیس جمهور کمک کرده تا ائتلاف قدرتمندی از کشورها در حمایت از اوکراین بسیج و حفظ کند؛ ۳. به اوکراین کمک کرده تا با شجاعت و استقامت قابل توجهی از خود دفاع کند؛ ۴. رئیس جمهور با استفاده خلاقانه‌ای از طبقه‌بندی‌زدایی استراتژیک، همراه با دولت بریتانیا، طرح‌های روسیه برای عملیات «پرچم دروغین» را که برای مقصدانستن اوکراینی‌ها و ایجاد بهانه‌ای برای اقدام نظامی روسیه طراحی شده بود، افشا کرد.

از نظر برنز، این کار جلوی روایات نادرستی که پوتین اغلب از آنها برای پیشبرد اهدافش استفاده کرده را گرفت و او را در موقعیت ناخوشایند و غیرعادی ضعیفی قرار داد؛ در مقابل، هم اوکراین و هم ائتلاف حامی آن را تقویت کرد.

اما در مورد چالش بلندمدت بزرگ‌تر آمریکا یعنی چین، برنز ادعا کرده که سیا در راستای انعکاس این اولویت، خود را بازسازماندهی کرده است. او گفته که سیا منابع بیشتری را - بیش

از دو برابر درصد بودجه کلی که در دو سال گذشته بر چین متمرکز بوده- برای جمع‌آوری، عملیات و تحلیل‌های اطلاعاتی مرتبط با چین در سرتاسر جهان اختصاص داده؛ زبان دانان ماندارین بیشتری را استخدام و آموزش می‌کند و در عین حال تلاش‌ها را در سرتاسر جهان برای رقابت با چین، از آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا تا هند و اقیانوس آرام، افزایش می‌دهد. به ادعای برنز، سازمان سیا که دارای ده و حتی بیشتر «مرکز مأموریت» است - که گروه‌های ویژه‌ای از افسران از ادارات مختلف این سازمان را گرد هم می‌آورد- در سال ۲۰۲۱ مرکز مأموریت جدیدی را راه‌اندازی کرده که به‌طور انحصاری روی چین متمرکز است. او گفته که این تنها مرکز مأموریت تک‌کشوری در سیا است؛ که مکانیزمی مرکزی برای هماهنگی کار روی چین فراهم می‌کند.

رئیس سازمان سیا همچنین خبر از تلاش بی‌سروصدای سازمان تحت مدیریتش برای تقویت کانال‌های اطلاعاتی با همتایان خود در پکن در راستای کمک به سیاست‌گذاران برای جلوگیری از سوءتفاهم‌های غیرضروری و برخورد‌های غیرعمدی بین آمریکا و چین داده است.

برنز در مقاله‌اش گفته که با وجود اینکه چین و روسیه بیشتر توجه سیا را به خود اختصاص داده‌اند، نمی‌تواند از چالش‌های دیگر، از مبارزه با تروریسم گرفته تا بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، غافل شود. بر این اساس، او ادعا کرده که سیا به شدت بر روی تهدیدات تروریستی متمرکز است و قابلیت‌های قابل توجه مبارزه با آنها را حفظ می‌کند. همچنین، گفته که این سازمان در حال اختصاص منابع قابل توجهی برای کمک به مبارزه با تهاجم فتنانیل - ماده افیونی مصنوعی که هر ساله ده‌ها هزار آمریکایی را می‌کشد- و چالش‌های منطقه‌ای نه تنها در مکان‌هایی مانند کره شمالی و دریای چین جنوبی که مدت‌ها از نظر استراتژیک مهم تلقی می‌شوند، بلکه در بخش‌هایی از جهان که اهمیت ژئوپلیتیکی آن‌ها تنها در سال‌های آینده افزایش خواهد یافت، مانند آمریکای لاتین و آفریقا است.

در مورد رقابت با رقبای در تکنولوژی نیز رئیس سیا گفته که سازمان تحت مدیریتش «در حال رقابت با رقبای خود در زمینه استفاده از فناوری‌های نوظهور است» و در این راستا، این سازمان اولین مدیر ارشد فناوری خود را منصوب کرده و مرکز مأموریت جدید دیگری را ایجاد کرده که بر ایجاد مشارکت بهتر با بخش خصوصی متمرکز است؛ جایی که نوآوری آمریکایی مزیت رقابتی قابل توجهی را ارائه می‌دهد. برنز گفته که انقلاب در هوش مصنوعی و انبوه اطلاعات منبع باز، در کنار آنچه به صورت مخفیانه جمع‌آوری می‌کنیم، فرصت‌های تاریخی جدیدی را برای تحلیل‌گران سیا ایجاد می‌کند. او ادعا کرده که سیا در حال توسعه ابزارهای هوش مصنوعی جدیدی است تا به هضم سریع‌تر و کارآمدتر اطلاعات جمع‌آوری شده کمک کند. با وجود این، عامل انسانی همچنان غیرقابل جایگزین است: «هوش مصنوعی جایگزین تحلیل‌گران انسانی نخواهد شد، اما در حال حاضر به آنها قدرت می‌دهد».

تهدید فوری روسیه و بلندمدت چین و راه‌های مقابله با آنها

برنز معتقد است که «دوران پس از جنگ سرد در لحظه‌ای که روسیه در فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد، به پایان قطعی رسید». او در تحلیل دلیل حمله روسیه به اوکراین می‌گوید چیزی که من در دو دهه گذشته از رفتار پوتین آموخته‌ام: «این است که همیشه دست‌کم گرفتن علاقه او به کنترل اوکراین و انتخاب‌های این کشور، اشتباه است. بدون این کنترل، او معتقد است که غیرممکن است روسیه قدرت بزرگ باشد یا او رهبر بزرگ روسیه باشد». برنز در جای دیگری از مقاله‌اش با یادآوری سفر نوامبر ۲۰۲۱ خود به روسیه برای هشدار به مقام‌های روسیه درباره حمله احتمالی به اوکراین، گفته که رهبران روسیه «متقاعد شده بودند که پنجره آنها برای تسلط بر اوکراین در حال بسته شدن است و زمستان پیش رو فرصت مساعدی را [برای حمله] ارائه می‌دهد، [بنابراین] بی‌تفاوت و حق به جانب برخورد کردند- به شدت موقعیت خود را دست بالا و مقاومت اوکراین و عزم غرب را دست‌کم گرفتند».

برنز در مقاله‌اش چالش روسیه را هرچند فوری‌تر می‌داند، اما چین را تهدید اصلی و بزرگ‌تر معرفی کرده است: «در حالی که روسیه ممکن است فوری‌ترین چالش باشد، چین تهدید بلندمدت بزرگ‌تری است». او بر این باور است که «چین تنها رقیب ایالات متحد آمریکا است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای انجام این کار را دارد». برنز با اشاره به تحول اقتصادی فوق‌العاده پنج دهه گذشته چین، می‌گوید که ظهور چین به خودی خود مسئله نیست؛ بلکه اقدامات تهدیدآمیز فزاینده ناشی از ظهور چین مسئله است. او معتقد است که شی جی‌پینگ به جای استفاده از قدرت کشورش برای تقویت و احیای سیستم بین‌المللی، که تحول اقتصادی چین را ممکن کرده، به دنبال بازنویسی آن است.

برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از روسیه و چین، برنز دو گزینه اصلی معرفی کرده است: یکی استمرار حمایت از اوکراین و دیگری، ریسک‌زدایی از وابستگی متقابل اقتصادی با مخالفان و رقیب. او استمرار حمایت از اوکراین را نه تنها برای تحمیل شکست استراتژیک به روسیه، بلکه برای تأثیرگذاری بر محاسبات رهبران چین در مورد رهبری آمریکا در حمایت از تایوان در برابر حمله چین بسیار مهم می‌داند. درباره ریسک‌زدایی از وابستگی متقابل اقتصادی، برنز معتقد است که وابستگی متقابل اقتصادی و روابط تجاری بین چین و آمریکا هرچند به دو کشور و سایر نقاط جهان خدمت کرده، اما آسیب‌پذیری‌های حیاتی و خطرات جدی برای امنیت و رفاه آمریکا نیز ایجاد کرده است. از نظر رئیس سازمان سیا «همه‌گیری کووید-۱۹ خطر وابستگی به هر کشوری را برای تأمین تجهیزات پزشکی نجات‌بخش برای هر دولتی روشن کرد، همان‌طور که جنگ روسیه در اوکراین، خطرات وابستگی به یک کشور برای انرژی را برای اروپا آشکار کرد». در بحث ریسک‌زدایی، سه هدف اصلی آمریکا عبارتند از «ایمن‌سازی زنجیره تأمین این کشور، حفاظت از برتری تکنولوژیکی و سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های صنعتی کشور».

چالش وسط‌بازها در رقابت ژئوپلیتیکی با چین

در مورد چالش‌های ژئوپلیتیکی به‌ویژه در رابطه با رقابت آمریکا و چین، برنز به بازیگران «وسط‌باز»^۱ نیز اشاره کرده، که به نظر می‌رسد از نظر او، چالشی برای آمریکا در رقابت با چین هستند. وسط‌بازها که به اعتقاد رئیس سازمان سیا، وزن‌شان در حال افزایش است، شامل طیفی از بازیگران از دموکراسی‌ها و حکومت‌های استبدادی گرفته تا اقتصادهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و جنوب جهانی هستند که به طور فزاینده‌ای قصد دارند روابط خود را برای به حداکثر رساندن گزینه‌های خویش متنوع کنند. این بازیگران «منافع کم و خطرات زیادی را در پایبندی به روابط ژئوپلیتیک تک‌شراکتی با ایالات متحده یا چین می‌بینند». پیش‌بینی او این است که «کشورهای بیشتری به احتمال زیاد جذب وضعیت روابط ژئوپلیتیکی «باز»^۲ (یا حداقل وضعیتی «پیچیده») خواهند شد. آنها از رهبری آمریکا در برخی مسائل پیروی خواهند کرد، ولی در عین حال توسعه روابط با چین را نیز پیگیری خواهند کرد». برنز با لحنی هشدارآمیز گفته «اگر گذشته راه آینده باشد، واشنگتن باید مراقب رقابت بین تعداد فزاینده‌ای از قدرت‌های متوسط باشد؛ که از لحاظ تاریخی به جرقه برخورد بین قدرت‌های بزرگ کمک کرده است».

برآورد جنگ اوکراین و اهمیت استمرار حمایت از کی‌یف

موضوع جنگ اوکراین در مقالهٔ برنز بسیار برجسته است. او این جنگ و سیاست آمریکا در مورد آن را برای آیندهٔ نظم بین‌المللی بسیار مهم می‌داند. برآورد مقاله برنز این است که «جنگ پوتین در بسیاری از سطوح برای روسیه با شکست همراه بوده است». بر اساس این برآورد، ارتش روسیه صدمات زیادی را متحمل شده است؛ حداقل ۳۱۵۰۰۰ سرباز روسی کشته یا زخمی شده‌اند؛ دو سوم موجودی تانک‌های فعال قبل از جنگ روسیه نابود شده‌اند؛ و برنامه نوسازی نظامی این کشور که دهه‌ها به طول انجامیده، توخالی شده است؛ شکست‌های طولانی مدت در انتظار اقتصاد روسیه است و اقتصاد این کشور به چین وابسته خواهد شد. از نظر او، جاه طلبی‌های بیش از حد پوتین از منظر دیگری نیز نتیجه معکوس داشته است: آنها ناتو را تشویق کرده‌اند تا بزرگ‌تر و قوی‌تر شود.

پیش‌بینی رئیس سازمان سیا این است که این مشکلات و چالش‌ها، پوتین را در داخل تضعیف خواهد کرد. از نظر او «هرچند به نظر نمی‌رسد که قدرت سرکوب‌گرانه پوتین به این زودی‌ها تضعیف شود، اما جنگ او در اوکراین بی‌سروصدا قدرت او را در داخل کشور از بین می‌برد». برنز به شورش واکنش اشاره کرده که از دید او نشانه‌های اجمالی از «ناکارآمدی‌های نهفته در پشت تصویری از کنترل را که پوتین به دقت جلا داده بود، نشان داد». او معتقد است

1. Hedging middle

2. Open geopolitical relationship status

که هرچند پوتین در نهایت در پیروگوتین تسویه حساب کرد «اما انتقادهای گزنده پیروگوتین از دروغ‌ها و قضاوت‌های نادرست نظامی در هسته اصلی جنگ پوتین و فساد در قلب سیستم سیاسی روسیه، به زودی ناپدید نخواهد شد». برنز سال ۲۰۲۴ را سال احتمالاً سختی در میدان نبرد در اوکراین می‌داند و معتقد است که پوتین زمان را به نفع خود می‌داند و تصور می‌کند که می‌تواند اوکراین را نابود و حامیان غربی آن را فرسوده کند.

در چنین شرایطی، از نظر او، کلید موفقیت در حفظ کمک‌های غرب به اوکراین نهفته است. برنز بر این باور است که اختصاص کمتر از پنج درصد بودجه دفاعی آمریکا به حمایت از اوکراین، سرمایه‌گذاری نسبتاً متوسط با بازده ژئوپلیتیکی قابل توجه برای ایالات متحده و بازدهی قابل توجه برای صنعت این کشور است. بر این اساس، او خروج آمریکا از درگیری و قطع حمایت از اوکراین در این لحظه حیاتی را گل به خودی تاریخی می‌داند.

برنز اهمیت جنگ اوکراین را تنها در رابطه با چالش روسیه نمی‌داند. او معتقد است که «هیچ کس بیشتر از رهبران چین، حمایت آمریکا از اوکراین را زیر نظر ندارد». در واقع، از نظر برنز، همبستگی غرب بر محاسبات شی در مورد خطرات استفاده از زور علیه تایوان بسیار تأثیرگذار است. به باور او «برای شی، مردی که تمایل دارد آمریکا را به عنوان قدرت در حال محوشدن ببیند، رهبری آمریکا در اوکراین قطعاً غافل‌گیرکننده بوده است. تمایل آمریکا و توانایی این کشور برای جمع‌آوری متحدانش برای تحمیل هزینه‌های اقتصادی برای مقابله با تجاوزات پوتین، به شدت با باور پکن مبنی بر اینکه آمریکا در حال انحطاط نهایی است، تناقض داشت». در چنین شرایطی، از نظر برنز «یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها برای احیای مجدد تصورات چینی‌ها از بی‌تفاوتی آمریکا و دامن زدن به تهاجم چین، کنارگذاشتن حمایت از اوکراین است. ادامه حمایت مادی از اوکراین... پیام مهمی است از عزم ایالات متحده مبنی بر کمک به تایوان [در برابر حمله احتمالی چین]». او همچنین «تاب‌آوری شبکه متحده و شرکای آمریکایی در سراسر اقیانوس هند-پاسیفیک» را دارای تأثیری هشیارکننده بر تفکر پکن در مورد آمریکا می‌داند.

وضعیت پیچیده و انفجاری خاورمیانه و چالش ایران

حرف اصلی و اساسی برنز در مورد خاورمیانه این است که «آمریکا به طور انحصاری مسئول حل هیچ یک از مشکلات آزاردهنده خاورمیانه نیست. اما هیچ کدام از آنها بدون رهبری فعال این کشور قابل مدیریت نیست؛ چه رسد به حل آنها». از نظر رئیس سازمان سیا «رقابت با چین بالاترین اولویت واشنگتن خواهد بود، اما این بدان معنا نیست که می‌تواند از چالش‌های دیگر فرار کند». او بحران کنونی در غزه را یادآوری دردناکی از پیچیدگی انتخاب‌هایی دانسته که خاورمیانه همچنان برای ایالات متحده خلق می‌کند. با این حال، برنز معتقد است که «آمریکا باید با دقت و نظم حرکت کند، از مداخله بیش از حد خودداری و از نفوذ خود عاقلانه استفاده نماید». برنز به عنوان کسی که بخش زیادی از فعالیت چهار دهه گذشته خود را روی

خاورمیانه کار کرده، برآوردش از وضعیت امروز منطقه این گونه است: «به ندرت آن را پیچیده تر یا انفجاری تر از شرایط کنونی دیده‌ام».

بر این اساس، از نظر او، تصور غلبه بر چالش‌های کنونی در خاورمیانه از جمله پایان دادن به عملیات زمینی شدید اسرائیل در نوار غزه، رفع نیازهای عمیق انسانی غیرنظامیان دردمند فلسطینی، آزادی گروگان‌ها، جلوگیری از گسترش درگیری به دیگر جبهه‌ها در منطقه، شکل دادن به رویکردی کاربردی برای «روز بعد» در غزه، ایجاد صلحی پایدار که امنیت اسرائیل و همچنین تشکیل کشور فلسطین را تضمین می‌کند و عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی با اسرائیل در بحبوحه بحران کنونی بسیار دشوار است، اما بدون پیگیری جدی آنها، اینکه تصور کنیم که می‌توانیم از بحران خارج شویم، حتی دشوارتر خواهد بود. برنز در این مورد به ایران نیز اشاره می‌کند و معتقد است که «کلید امنیت اسرائیل و منطقه، مواجهه با ایران است».

او ادعا کرده که بحران پس از ۷ اکتبر حکومت ایران را جسورتر کرده؛ به طوری که به نظر می‌رسد آماده است تا آخرین نیروی نیابتی منطقه‌ای خود بجنگد؛ در حالی که همزمان برنامه هسته‌ای خود را گسترش داده و به تجاوز روسیه به اوکراین نیز کمک می‌کند. همچنین، ادعا کرده که در ماه‌های پس از ۷ اکتبر، حوثی‌ها، گروه شورشی یمنی متحد ایران، شروع به حمله به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ کردند. ضمن اینکه خطرات تشدید تنش در جبهه‌های دیگر نیز همچنان ادامه دارد.

نتیجه‌گیری

مقاله ویلیام برنز، رئیس سازمان سیا، در مجله «فارن افرز» با عنوان «جاسوسی و کشورداری: دگرگونی سیا برای عصر رقابت» را می‌توان در چند محور کلی خلاصه کرد: ۱. ترکیب چالش‌های ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی در «عصر رقابت» پیچیدگی‌های حرفه جاسوسی را افزایش داده و سازمان سیا در حال انطباق خود با چنین وضعیتی است؛ ۲. فناوری‌های جدید (از ریزتراشه‌ها گرفته تا هوش مصنوعی و تا محاسبات کوانتومی) عنصر اساسی در هم‌آوردی در «عصر رقابت» هستند و چالش‌های ناشی از آنها برای جاسوسی بسیار جدی و بااهمیت است؛ ۳. چالش‌های اصلی پیش روی آمریکا، چین و روسیه هستند. روسیه چالش فوری، ولی چین تهدید بلندمدت بزرگ‌تر است. بنابراین، تمرکز اصلی آمریکا و سازمان سیا باید متوجه این دو به‌ویژه چین باشد؛ ۳. خاورمیانه اولویت آمریکا نیست، ولی آمریکا نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. با این حال، آمریکا نباید به دنبال مداخله بیش از حد در این منطقه باشد؛ هرچند مدیریت مسائل خاورمیانه بدون رهبری آمریکا امکان‌پذیر نیست.

همه این موارد برای ایران کارکرد دارند. پیچیدگی‌های حرفه جاسوسی در نتیجه ترکیب چالش‌های ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی در «عصر رقابت» برای سازمان‌های اطلاعاتی ایران نیز

بسیار مهم هستند؛ هم از نظر جاسوسی و هم از نظر ضد جاسوسی. این نشان می‌دهد که سازمان‌های اطلاعاتی ایران نیز نیاز به انطباق خود با شرایط جدید دارند. استخدام و تربیت نیروهای کارآمد اطلاعاتی و اولویت قائل شدن به شایسته‌گرایی هم در استخدام و هم در ارتقای مدیریتی و سازمانی نیروهای اطلاعاتی در کنار حاشیه‌زدایی از کارکرد این سازمان‌ها و تمرکز دستورکار آنها بر موضوعات راهبردی همراه با ارتقای دانش و تکنولوژی روز مورد استفاده سازمان‌های پیشرفته و رقیب بسیار مهم است. چین و روسیه در مرکز راهبرد نظارت و اقدام آمریکا به‌طور کلی و سازمان‌های اطلاعاتی این کشور به‌ویژه سیا به‌طور خاص قرار دارند. این به معنای آن است که هرچه ایران به این دو کشور نزدیک شود، بیشتر سوژه نظارت و اقدامات اطلاعاتی آمریکا خواهد بود.

در خاورمیانه‌ای که بر اساس دیدگاه برنز، اولویت آمریکا نیست، ایران در رأس اولویت آمریکا و برخورد این کشور از جمله سازمان‌های اطلاعاتی آن قرار دارد؛ چون به ادعای او «مواجهه با ایران، کلید امنیت اسرائیل و منطقه است». این وضعیت ضمن اینکه هوشیاری ایران به‌ویژه سازمان‌های اطلاعاتی آن را می‌طلبد، ممکن است فرصت‌هایی برای تعامل و دیپلماسی پنهان اطلاعاتی برای کسب امتیازاتی از آمریکا - که نمی‌خواهد تمرکز بر اولویت‌های اصلی خود یعنی چین و روسیه را از دست بدهد - فراهم آورد. در این میان، این هوشیاری باید در ایران و سازمان‌های اطلاعاتی کشور وجود داشته باشد که کشورهای اصلی رقیب و اولویت‌ت‌مركز آمریکا برای فرار از نظارت و اقدام این کشور، ایران را به‌عنوان سوژه و ضربه‌گیر در برابر آمریکا مورد سوءاستفاده قرار ندهند.

